

دریچه

دیدار رئیس انجمن خیریه دیابت با احمد رضا دالوند

● رئیس انجمن خیریه دیابت ایران در عبادت از احمدرضا دالوند اظهار کرد: من به‌عنوان رئیس انجمن دیابت کشور وظیفه خود دانستم که از تمام بیماران دیابتی و به‌ویژه افراد هنرمند مبتلا به این بیماری دیدار کنم. دکتر امیدی با اظهار تأسف نسبت به قطع پای احمدرضا دالوند افزود: ایشان اگر زودتر مراجعه می‌کردند با روش‌های نوین لیزردرمانی و... پای ایشان قطع نمی‌شد، اما متأسفانه این اتفاق افتاد. در این لحظه آقای دالوند را به عضویت ویژه انجمن حمایت از بیماران دیابتی کشور درمی‌آوریم و ان‌شاءالله با اعزام پرستار و پزشک به منزل او ایشان را تحت پوشش قرار می‌دهیم. دکتر امیدی افزود: امیدوارم با حمایت احمدرضا دالوند بتوانیم بحث دیابت را با زبان هنر در ایران مطرح کنیم تا در هر جمعی که سخنرانی می‌کنند اشخاص را به دادن تست قند تشویق کنند زیرا ۷۰ درصد بیماران دیابتی از بیماری خود خبر ندارند. رئیس انجمن خیریه دیابت ایران درباره روند بهبودی احمدرضا دالوند گفت: انجمن خیریه دیابت ایران تمام روند پزشکی ایشان از معاینات پزشکی تا اعزام به بخش‌های پزشکی را بر عهده گرفته و هر کمکی باشد به‌صورت ویژه انجام می‌دهیم. وی افزود: احمدرضا دالوند برای اسکان



حتما باید در منزلی که طبقه همکف یا ساختمانی که دارای آسانسور باشد، سکونت داشته باشند. ما دراین‌باره با ستاد مسکن انجمن خیریه دیابت ایران اقداماتی انجام دادیم تا مکان بهتری نه به‌صورت رایگان اما با خدمات ویژه تا حد امکان برای ایشان فراهم کنیم تا دسترسی را رحتی داشته باشند. دکتر امیدی در پایان افزود: به‌محض مرخص‌شدن آقای دالوند از بیمارستان به دیدارشان می‌رویم تا پزشک متخصص و پرستارشان را معرفی کنیم. احمدرضا دالوند، منتقد هنری، نویسنده و پژوهشگر، تصویرگر و طراح گرافیک، مدیر هنری و مدیر پروژه بسیاری از روزنامه‌ها و ماهنامه‌ها بوده است. او در سال ۱۹۹۲ طرح برگزیده کتاب سال گرافیک اروپا و سپس سمپوزیوم بین‌المللی طراحی در ژاپن شد.

فرج‌الله حیدری به خانه ابدی بدرقه می‌شود

● فرج‌الله حیدری، از فیلم‌برداران مطرح ایرانی، ۱۵ آذرماه بر اثر ایست قلبی در ۶۲ سالگی درگذشت. فرج‌الله حیدری در سال ۱۳۳۵ در تهران متولد شد. او دارای مدرک تحصیلی دیپلم ریاضی بود و فعالیت خود در سینما را از دبستاری فیلم‌برداری فیلم «کوچه‌مدرها»، ساخته سعید مطلبی در سال ۱۳۴۹ آغاز کرد. فیلم‌برداری فیلم «کارناوال مرگ» در سال ۸۷ آخرین کار وی در سینما محسوب می‌شود. مراسم تشییع پیکر فرج‌الله حیدری، یکشنبه (۱۸ آذرماه) ساعت ۹ صبح از مقابل خانه سینما شماره ۲ واقع در خیابان رصالح برگزار خواهد شد. علیرضا تابش، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی، در پی درگذشت این هنرمند نوشت: «با نهایت اندوه و تأسف، خانواده بزرگ سینمای ایران، یکی از خالقان تصاویر و قاب‌های ماندگارش را از دست داد. درگذشت فیلم‌بردار پیشکوست سینما زندیباد «فرج‌الله حیدری» را به خانواده معزز و دوستدارانش تسلیت و تعزیت عرض نموده، از درگاه خداوند، آرامش ابدی و علو درجات برای آن فقید سعید مسئلت می‌نمایم.»

اجرا هربا رزور و قلی

رضا آشفته: علی رفیعی را سال‌هاست می‌بینیم که در تئاتر ایران اجراهای بزرگی را روی صحنه می‌آورد. او تا زمانی که نتواند اجرایی را به صحنه بیاورد که مدرن و به‌روز باشد و تا تمام انرژی‌هایی که در دهه ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ و... زندگی‌اش داشته نتواند در آن جاری کند، سعی می‌کند هرگز آن را روی صحنه نیاورد؛ بنابراین جای هیچ شکی نیست که خانه برنارد آلبایش را به‌روزتر و حتی بهتر از عروسی خون و برمای قدریکو کارسیا لورکا (با ترجمه احمد شاملو) کار کرده است. برنارد آلبا پس از مرگ شوهرش درها را روی پنج دخترش می‌بندد که با هیچ مردی ارتباط نگیرد و نتیجه این می‌شود که آنها عاشق یک مرد می‌شوند و... او در این کار با همکاری دراماتورژ (محمد چرمشیر)، تهیه‌کننده (ستاره اسکندری)، سرمایه‌گذار (ایران‌نمایش) گروه کارگردانی: (حمید پورآذری، مهرداد ضیایی و زمان وفاجویی) و بازی: (رویا تیموریان، مریم سعادت، مانده طهماسبی، نسرين درخشان‌زاده، پریسا صبورینژاد، ریحانه سلامت، بلدا عباسی، سارا رسول‌زاده، مصطفی ساسانی، مرضیه بدرقه، ساناز روشنی، فرزانه زینتی، ساناز نجفی، ستاره بذرافشان و زهره رضائی) طراحان: (طراح صحنه: علی رفیعی، منوچهر شجاع و طراح لباس: علی رفیعی و ندا نصر) این نمایش را آماده اجرا کرده است.

فکر می‌کنم نسبت به خانه برنارد آلباهیایی که تاکنون در ایران اجرا شده و حتی نسبت به اجراهای خارجی که به تهران آمده، اجرایشان متفاوت و تازه باشد و در آن یک نوع دراماتوزی دارد اتفاق می‌افتد که حتی نسبت به اجرای شما از عروسی خون و برما، دو متن دیگر لورکا این تفاوت را بارز می‌کند، چرا؟

اگر مدرنیته زمان و نبض زمان و برتری‌بودن این کار نسبت به کارهای پیشینم به‌لحاظ نه‌فقط زیبایی بصری –البته داخل پرازنر بگویم که زیبایی بصری برایم مفهومی ندارد– فرم یا هرچه بخوایم اسامش را بگذاریم، ناقل محتوا نباشد برایم ارزشی ندارد... همان‌طور که دیدید در این اجرا همه‌چیز در خدمت یک دراماتوزی با قرانت و رویکرد نو است، بنابراین این خواست همیشگی من بوده که از زمانی که کاری را روی صحنه می‌آورم، غیب نباشم بلکه جلوتر هم باشم، این مهم‌ترین دلیلش است.

■ در تمام کارهایتان درگیری با سنت و نگاه رو به پیشی که مدرنیته است، محسوس بوده و این برخلاف کار کسانی است که شاید بشود به صراحت گفت دارند پسامدرن را در جامعه تعریف می‌کنند، درحالی‌که در کارهای شما همه سطرها متوازن با سطرهای جامعه است که در آن بیشتر حالت گذر سنت به مدرنیسم ملاحظه می‌شود؟

دقیقا همین‌طور است... دوستی که بنا بود از فرانسه موسیقی‌ای برای این کار برایم بفرستد که فرستاد، به من گفت اجرا و تمرینات تو را ندیده‌ام، ولی تیش قلب تو را می‌شناسم. از آنجا که می‌دانم حظور قلبت می‌تید و در درگاهیت چه خونی جاری است، دارم موسیقی‌ها را برایت می‌فرستم. وقتی دریافت کردم و هرکدام را بعد از دیگری شنیدم، شگفت‌زده شدم، چون بعد از مدت‌ها شنیدن موسیقی‌های مختلف که مناسب برای این کار باشند، دیدم این موسیقی‌هایی که این دوست فرستاده، مناسب‌تر است. در این شرایط کارکردن آن‌قدر دشوار است و پیچ‌وخم و همه‌جور مانع بر سر راه وجود دارد که... اما در این اجرا خانم ستاره اسکندری، تهیه‌کننده این کار، بحق نگذاشت من برخی از این موانع را حس کنم و این دغدغه‌هایی که هربار داشته‌ام این‌بار نداشته باشم.

■ یعنی تهیه‌کننده موانع اداری و مالی و مانند اینها را برطرف کرده که تو راحت‌تر و پسان‌تر کار کنی؟
بله و فراهم‌کردن شرایط است. یک‌بار نشده چیزی را بدون اینکه کمترین ولخرجی و هزینه‌سازی بکنم، دیدم‌که از هر لحاظی ضروری است و من بگویم کاش دوتا وانتیلتر داشتیم بعدش یک روز، دو روز یا سه روز بعدش دوتا وانتیلاتور می‌بینم که وارد تمرین

می‌شد. بی‌آنکه خودم مستقیم به او هم گفته باشم. این خیلی مهم است که تهیه‌کننده درک کند و بفهمد که مهم‌ترین وظیفه‌اش فراهم‌آوردن شرایط تولید یک اثر است. خانم اسکندری این کار را کرد. در کنارش دستیارانم؛ وقتی دوستان را خواستم که شریک کارم باشند، مرا درک کردند و آمدند.

■ به نظر در آن دراماتوزی مشاور یا مشاورانی هم داشته باشید؟

فقط محمد چرم‌شیر در دراماتوزی حضور داشته و البته گاهی هم برخی از دوستان، از جمله خانم اسکندری کمک کرده‌اند. گاهی هم بازیگرها کمک کرده‌اند. می‌خواهم بگویم که طراحی لباس و صحنه و انتخاب رنگ‌ها و هر چیزی که از ذهن من تراوش کرده و آماده شده، با همکاری خانم نصر در امر لباس و منوچهر شجاع در امر طراحی صحنه بوده است و من نتواستم عنوان دیگری جز طراحی لباس و صحنه داشته باشم و در پرورش هم خواسته‌ام در کنار من نامشان ذکر شود. طراح صحنه علی رفیعی، منوچهر شجاع، طراح لباس علی رفیعی و ندا نصر... این کمترین قدرشناسی است نه اینکه من به آنها کمترین امتیازی بدهم، بلکه حقشان است و باید ارج گذاشته شوند. هرکدامشان مستقلا طراح لباس و صحنه هستند،

ولی وقتی در کار من وارد شدند با تواضع و فروتنی آمده‌اند و نه اینکه بخواهند مدعی باشند، بلکه این من هستم که قدرشناسان هستم که در کنارشان باشم... اما من اگر کم‌سن‌وسال‌تر بودم یا امیدی داشتم، حتماً دیگر نام کارگردان و طراح را هم نمی‌گذاشتم، بلکه می‌گفتم کار گروه و بر حسب حروف الفبا متناسب با حروف الفبا باید اسمم آن جایی قرار می‌گرفت که نام بازیگران و دیگر عوامل آورده

می‌شود، یعنی به این فکر و آرزویم از سال‌ها پیش فکر شده است که به‌دلیل حضور بازیگرانم بهتر بود چنین می‌شد... در این دو، سه ساله که گروه بازیگران زن هستند که دقیقاً نمی‌دانم ۱۳، ۱۵ یا ۱۴ نفرند، آن‌قدر با جان و دل کار کرده‌اند که بی‌نظیرند.

■ این بازیگران چه آن بازیگران نسل قبلی مانند رؤیا تیموریان، هما سعادت و مانده طهماسبی در کارهای قبلی‌تان –چه فیلم و چه تئاتر– بوده‌اند و برخی از این جوان‌ترها در این سه کارتنا بوده‌اند، اینکه تعادل و توازنی بین این نسل برقرار شده و به هماهنگی رسیده‌اند، این را چگونه فکر کرده و

پسانان کرده‌اید که به نظر‌تان بی‌بدیل باشد؟
فقط به این دلیل و این اعتبار که سبک و شیوه کارم با بازیگر طوری بوده که در این کار هم بسیار عمیق هست، اینکه بازیگر هیچ‌وقت به‌مثابه ابزار یا مجری اوامر کارگردان نبوده است، من بازیگر را ابزار تلقی نمی‌کنم بلکه او را یک موجود خلاق تصور می‌کنم. راحت میدان می‌دهم به خلاقیتش که رفته‌رفته بازیگر خلاق تبدیل

۷۷۵۷۱۶۶۰

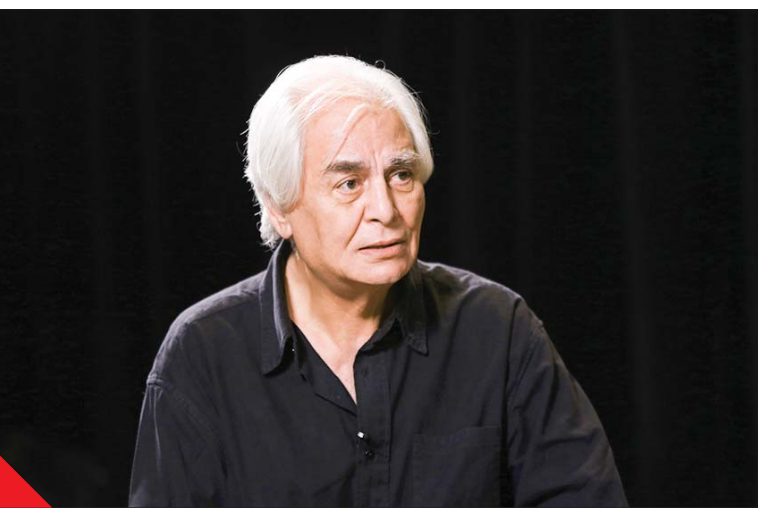


حمید نراقی علیرضا تهرانی

هنر

گفت‌وگو با دکتر علی رفیعی، کارگردان نمایش «خانه برنارد آلبا»

مرگ هر چقدر دورتر، بزرگ‌تر



علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

علیرضا تهرانی

از بازیگران سابقم بود که دیدم شرایطش جور نیست و بعد به مصطفی ساسانی فکر کردم و دیدم به دلیل ابفای او نقش مرد، یکی شوهر برما، خوان و دیگری ناصرالدین‌شاه و یکی هم ویژگی‌ها و خصوصیات خود مصطفی، مناسب است. او رفتارهای متداول خاص خودش را دارد که نمی‌خواهم بگویم غیرعادی است. می‌توانم بگویم روزی که من آرمونی را برای تعدادی از هنرجویان که برای ورک‌شایی که هنوز هفدمند نبود و البته در پس ذهن‌ام برای اجرای آتشیزخانه که نیاز به ۴۰ نفر داشت، مدنظر قرار داده بودم، وقتی مصطفی ساسانی را برای اولین‌بار دیدم، او وقتی جلوی یک هیئت زوری رسید، گفت: می‌توانم روی سرم راه بروم و بازی کنم؟ بدون اینکه تعجب خودم را نشان بدهم، گفتم: نو- داری آزمون پس می‌دهی و هر- طور که دوست داری، بازی کن. او سرش را بر کف و پاهایش را بالا گرفت و تمام نقشش را در این حالت بازی کرد. البته حالت نمکوس بازتابش در کارش بود. دیدم او جزونی دارد که به- کارم می‌آید. دیدم او چیزی دارد که به این راحتی و با اعتمادبه‌نفس می‌گوید می‌خواهم این‌طور بازی کنم و بعد هم پذیرفتم. بعدها هم در تمرین‌های ورک‌شاپ این چیزها را به کار می‌گرفت؛ بنابراین بعد از اینکه دو، سه نفر آمدند که این نقش را بگیرند، دیدم مصطفی با همان جنون زیبا و شاعرانه‌ای که دارد، به درد این کار می‌خورد و بهتر از او هم نداریم. اول یک مقدار ما را مایوس می‌کرد که من و مهرداد (ضیایی) به هم نگاه می‌کردیم که آره، نه؟ گاهی نیمه‌منفی به او داشتیم تا اینکه یک‌مرتبه مصطفی درخشید و ما به همدیگر نگاه کردیم که بله. دیگر نباید نق می‌زد؛ چون زمان تمرین‌های ناصرالدین‌شاه بعضی‌وقت‌ها آن‌قدر نق می‌زد که دو، سه بار به گریه افتاد و من هم در خانه گریه می‌کردم برای این همه آزار و اذیتی که به او می‌دادم. من می‌دانم چیزهایی دارد و در این اجرا هم از آنها استفاده کرده است.

■ در کارهایتان طراحی حالت استعاریک می‌یابید و ما را دچار تأثیر می‌کند، درباره چگونگی خلق این طراحی‌ها توضیح دهید

از ابتدا به «خانه برنارد آلبا» فکر می‌کردم که او پنج دختر دارد که هر پنج نفرشان عاشق یک مردند و باید اتاق خوششان در کنار هم باشد. در صحنه هم این تخته‌ها باید در کنار هم باشند و پنج پنجره هم برایشان در نظر بگیرم... اینها نگاهشان به پنجره خودشان است که شاید در این قاب پیه را ببینند. هر قدر به دلیل اینکه مدیران تالار وحدت حاضر نیستند، اینجا را مرمت کنند و برایش خرج بکنند، اما ما پنجره‌ها را می‌خواستیم به شکل دیگری کار کنیم که اینها بنابر دستور برنارد آلبا باید آجرچین می‌شد، و دختراها باید برای عبور از اینها لگد بزنند یا با مشت اینها را بشکافند و عبور کنند... این به دلایلی نمی‌شد و همه اینها مسائل تکنیکی بود که نمی‌شد تا به اینجا رسیدیم... قرار بود پنجره‌ها در ارتفاع و دور از دسترس باشد که صعب‌العبوربودن و رسیدن به پیه را بیان کند که نشد. بعد تصمیم گرفتیم که این پنجره‌های چوبی روستایی باشد که تخت خواب‌هایشان زین آنها قرار بگیرد. طراحی صحنه از نظر من دگور نیست، دگور هیچ‌وقت برایم معنا نداشته و من بنا بر آنچه از استاد بزرگم یاد گرفته‌ام، یک فضا خلق می‌کنم و نه دگور یا یک مکان؛ یک فضا که در آن همه‌جا را می‌شود دید که از طریق بازی بازیگر و نوع بازی‌اش می‌شود آن مکان‌ها را خلق کرد و دید. اگر می‌خواهد زین آسمان پرستاره باشد می‌تواند در همان اتاق این آسمان پرستاره را هم در بازی‌اش نشان بدهد؛ بنابراین پنجره‌ها تبدیل شدند به نمادی از مرزهایی که وجود دارد بین ابای بشر و آزادی‌هایی که به آن نیاز دارد. یک جمله معروف و زیبا از لورکا به یاد دارم؛ وقتی که این سه‌گانه را می‌نویسد و در شرایطی که اسپانیا دچار فاشیسم و گشتارهای فرانکو است، می‌گوید: اسپانیا همه درهای خودش را به روی مادرش، اروپا، بسته است و تمام هم و غم ما عبور از این پنجره‌هاست و دست‌یابی ما به مادرمان اروپاست. این خیلی برای من معنا داشت و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و نه الزاما از طریق خلق پنجره بود؛ این بند ناف اسپانیا بریده‌شده از ناف مادرش اروپا، یعنی جهان آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد؛ یعنی جهانی که مبارزه کرده و به همه آزادی‌ها رسیده است. می‌بینم که در هر سه کارم اینها به‌کار رفته‌اند و بازتابش در سه کارم و